



فهرست

- ۲ خلاصه جلسه قبل
- ۲ انواع مقدمات حرام
- ۳ دیدگاه مرحوم نائینی در مورد مقدمه تولیدیه
- ۳ جواب به حرمت نفسی مقدمه حرام



خلاصه جلسه قبل

بحث در مقدمه حرام بود و به دو نکته اشاره کردیم:

- ۱: وجوب عقلی مقدمه واجب، مسلم بود و فقط از وجوب شرعی آن باید بحث می‌شد ولی در مقدمه حرام، اصل حرمت عقلی هم محل بحث است. البته بعد از آن، حرمت شرعی هم باید بحث شود.
 - ۲: مقدمه فعل با مقدمه ترک، تفاوت اساسی دارد و علت این تفاوت این است که وجود معلول با عدم معلول، فرق دارد. وجود معلول متوقف است بر وجود جمیع اجزاء علت که بخشی از آنها معذات می‌شود اما در عدم معلول، عدم الشیء یتحقق بعدم أحد أجزائه. همان‌طور که عدم المركب یتحقق بعدم احد اجزاء المركب. پس این تفاوت جوهری در کنه و ذات وجود معلول و عدم معلول، وجود دارد و بر این اساس باید گفت: عقل، حکم به وجوب مقدمه واجب می‌کند چون وجود معلول، بدون همه اجزاء امکان ندارد اما در مقدمه حرام، ترک یکی از مقدمات کافی است تا مطلوب مولی حاصل شود و مستلزم این نیست که همه مقدمات ترک شود. بنابراین در مقدمه حرام، ترک یکی از مقدمات، باعث عدم حرمت آن می‌شود.
- حاصل بحث این می‌شود که از نگاه عقلی، در امر واجب، مطلوبیت و شوق به ذی المقدمه به مقدمات سرایت می‌کند. عقل می‌گوید: باید این مقدمات را بیاورید و مطلوبیت غیری در مقدمات هست. اما مبعوضیت در امر حرام به مبعوضیت غیری در مقدمات عقلاً سرایت نمی‌کند. چون مقدمه باشد یا نباشد، می‌توان ذی المقدمه را آورد و می‌توان نیاورد.

انواع مقدمات حرام

مرحوم آخوند در بحث مقدمه حرام، فرمایشی در کفایه دارند اما فرمایش مرحوم نائینی به دلیل پخته‌تر و جامع‌تر بودن، فعلاً محور بحث ما است. در تقریر محاضرات هم این بحث آمده است.

مرحوم نائینی می‌فرمایند: در مقدمه حرام سه حالت متصور است:

- ۱: مقدمه حرام تولیدی. مقصود از مقدمه تولیدیه این است که اگر کسی آن را انجام دهد، حتماً ذی المقدمه بر آن مترتب می‌شود. یعنی مقدماتی که «لایتوسط بینها و بین وجود ذی المقدمه الإرادة و الاختیار» و علت تامه است. مثال واضح، پرتاب کردن خود از بالای برج پنجاه طبقه است. کسی که خود را از آنجا پرت کند، خودکشی نیست ولی مقدمه تولیدی است و حتماً ذی المقدمه بدون اراده و اختیار او می‌آید. لایتوسط بینها و بین ذی المقدمه اختیار الفاعل.



- ۲: مقدمات غیر تولیدیه. مقصود مقدماتی هستند که از انجام این مقدمه، صدور ذی المقدمه اراده می‌شود. مثلاً به جهت معصیت، به کشوری سفر می‌کند. این سفر مقدمه تولیدیه نیست چون می‌تواند برود ولی در مرحله آخر گناه نکند. در اینجا قصد او سفر برای گناه بود به‌گونه‌ای که اگر این گناه نبود، سفر نمی‌رفت و خرج نمی‌کرد.
- ۳: مقدمه را انجام داده ولی بدون قصد گناه. مثلاً برای غیر معصیت به سفر رفت ولی بعداً گناه را انجام داد.

دیدگاه مرحوم نائینی در مورد مقدمه تولیدیه

مرحوم نائینی می‌فرماید: در قسم اول، مقدمه، حرام است. مقدمه‌ای که اگر صادر شود، اراده‌ای از او باقی نمی‌ماند و مسلوب الاختیار می‌شود، این نوع از مقدمه حرام است.

نکته ظریفی که ایشان می‌فرمایند این است: حرمت مقدمه در اینجا حرمت نفسی است چون اگر ذی المقدمه در اختیار مکلف نباشد تکلیف روی آن نمی‌رود زیرا تکلیف روی امر اختیاری می‌رود. اگر تکلیف روی یک امر غیر اختیاری برود که فقط مقدماتش اختیاری است، این قرینه می‌شود که تکلیف را باید از محور ذی المقدمه به محور مقدمه (محور قبل از ذی المقدمه) آورد.

مثلاً آیه شریفه ششم سوره تحریم که از غرر آیات فقه تربیتی است و قاعده وقایه در آن هست می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً» خودتان و خاندانتان را از آتش جهنم مصون بدارید. اگر این دنیا را بگوید، اختیاری است ولی اگر آخرت را بگوید این در اختیار بشر نیست، چون وقایه از جهنم در آخرت، در اختیار ما نیست. پس معنی آیه این است که به مقدماتش توجه کن. چون متعلق امر، وقایه‌ای است که مستقیماً مقدور و تحت سلطنت و اختیار مکلف نیست و تکلیف هم باید روی امر مقدور بیاید، لذا می‌گوییم: این امر روی مقدمه می‌رود. در ما نحن فیه هم اگر مولی به این شخص بگوید: خودکشی نکن، مقصود لحظه‌ای نیست که به زمین می‌خورد بلکه مقصود این است که مقدماتش را که منجر به قتل می‌شود انجام نده.

جواب به حرمت نفسی مقدمه حرام

آیت الله خوئی در جواب فرموده‌اند: از نظر فلسفی اختیاری بودن یک عمل، اعم است از این که خود آن عمل، مستقیماً تحت اراده مکلف باشد یا اینکه مقدماتش تحت اراده او باشد.



«یکفئ فی اختیاریه شیء اختیاریه مقدماته» همان طور که می‌گوییم: «الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار». درست است شخصی که خودش را پرت می‌کند، خودکشی نیست و وقتی هم که زمین می‌خورد، اختیار ندارد اما مقدماتش در دست او است و این کار را تبدیل به اختیاری می‌کند.

ظاهر و ملاک دلیل این است که خود را کشتن، حرام است نه پریدن. لذا اگر کسی وسایلی داشته باشد که بعد از پریدن، خود را نگه دارد، این کار حرام نیست. پس نهی به ذی المقدمه تعلق گرفته است و نهی از مقدمه، غیر است و مبعوضیت ذی المقدمه به مقدمه نیامده است. نهی نفسی روی چیزی می‌آید که مبعوضیت ذاتی داشته باشد. شاهد مطلب این است که اگر اقدام به مقدمه تولیدیه کند ولی در وسط راه، مانعی پیش آید و نتواند ذی المقدمه را انجام دهد، گناهی مرتکب نشده بلکه تجری کرده است. این جواب ایشان، متقن است.